

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳

درآمدی بر جایگاه اخلاق متعالیه در سبک زندگی زمینه‌ساز

جواد منزوی بزرگی *

صادق احمدی **

چکیده

این نوشتار، به تبیین رویکرد اخلاق متعالیه در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت می‌پردازد و با این پرسش که «اخلاق متعالیه چیست و چگونه می‌توان آن را در جامعه منتظر پیاده‌سازی کرد؟» در تلاش است ویژگی‌ها و شاخص‌های کلیدی اخلاق متعالیه را در مقایسه با نوع متدانیه آن به روش توصیفی - استنباطی مبتنی بر تحلیل محتوا تبیین کند. برون‌یافت مقاله نیز دستیابی شاخص‌ها و ویژگی‌های اثرگذار در سه حوزه سخت‌افزاری (ساختارنگر)، نرم‌افزاری (غایت‌محور) و جان‌افزاری (عامل تراز) است.

واژگان کلیدی

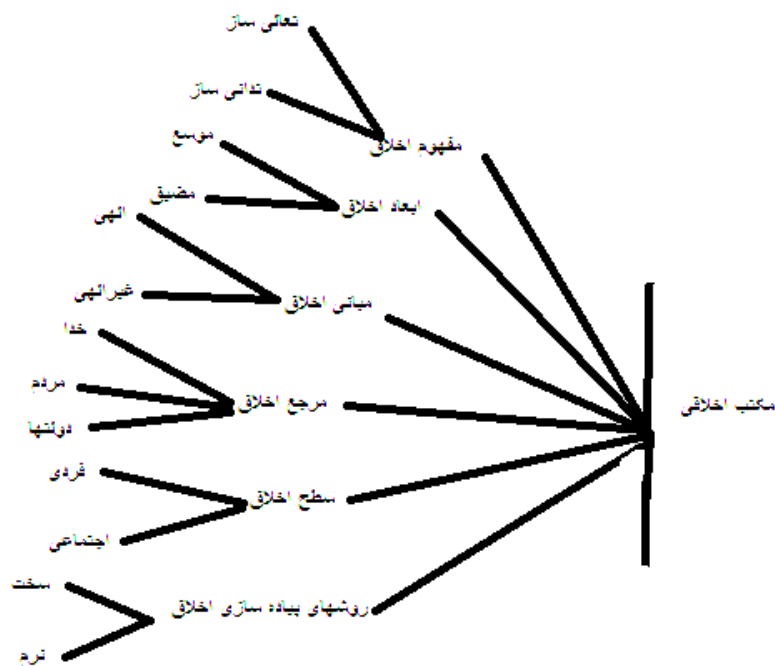
اخلاق متعالیه، اخلاق متدانیه، ظهور، انتظار، سبک زندگی.

* دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) (bozorgi1357@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

زمینه‌سازی ظهور برای جامعه منتظر بیش از آن که یک اصطلاح عامیانه نقش بسته در افکار عمومی مردم باشد، برخاسته از فلسفه‌ای جهت‌دار با عمق طولانی از ابتدای خلقت بشر است. این که جامعه منتهی به ظهور از چه سبک زندگی باید برخوردار باشد و جایگاه اخلاق در این سبک زندگی چیست، سؤالات کلیدی و مهمی هستند که به پاسخ‌گویی نیاز دارد. اخلاق، کلیدواژه اصلی سبک زندگی است. الگوها و نموده‌های سبک زندگی در عصر انتظار - عصری که به ظهور حضرت حجت می‌انجامد - دارای جایگاهی مهم است. عموماً مکاتب اخلاقی موجود، به دنبال پاسخ به یک سری سؤالات مرتبط زندگی هستند و جهت‌گیری‌های اخلاقی موجود در مکاتب اخلاقی، سبک زندگی طرفداران آن را شکل می‌دهد. مکتب اخلاقی به پرسش‌هایی پاسخ می‌گوید که در محورهای زیر نهفته است:



نوشتار پیش رو، ضمن تشریح اخلاق متعالیه و مقایسه آن با نوع متدانیه، به دنبال پاسخ به جایگاه آن در سبک زندگی و تأثیرش در زمینه‌سازی ظهور است و می‌کوشد ضمن بهره‌مندی از دیدگاه‌های کارشناسان و نیز متون تولید شده در این حوزه، گفتمان‌سازی مناسبی در شأن موضوع مقاله انجام شود.

بیان مسئله

دنیا به سرعت بر مسیر تطور و دگرگونی احوال انسان‌ها می‌چرخد و هجمه‌های شیاطین، بشر را با تهدید اخلاق مواجه می‌کند. با این حال، امروزه به سبب تبلیغات گسترده و عمیق غول‌های رسانه‌ای و بهره‌گیری از قابلیت‌های جنگ نرم از یک سو و وجود برخی عناصر ضعیف‌الاحوال در داخل جامعه مهدوی - که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اخلاقی هستند - تهدیدهای اخلاقی مترتب بر تأخیر در ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه جدی گرفته نشده است. این مسئله می‌تواند سبب ابهام و ضعف در بنیه‌های اعتقادی و انحراف اخلاقی مردم شود. بر این اساس، ارائه الگویی از اخلاق متعالیه مبتنی بر مبانی دین مبین اسلام در نظام‌واره سبک زندگی می‌تواند گامی مؤثر در روشن‌گری و ترویج اخلاق مبتنی بر اعتقادات اصیل اسلامی و - ان شاء الله - زمینه‌سازی مناسب و در شأن ظهور گردد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش مورد نظر در نکات ذیل نهفته است:

۱. تعیین راهبردهای مناسب اخلاق متعالیه و به‌کارگیری آن در مجامع علمی و پیاده‌سازی در سطح عموم برای زمینه‌سازی ظهور؛
۲. تعیین شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاق متعالیه و ترسیم سیاست‌های اجرایی متناسب برای پیاده‌سازی آن در سطح جامعه؛
۳. مشخص شدن نقش و وظایف سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مسئول و مؤثر در تولید و حفاظت از اخلاق متعالیه متناسب برای زمینه‌سازی ظهور؛
۴. ترسیم فرایندهای کاربردی مبتنی بر اصول و مبانی دین مبین اسلام در نظام‌واره سبک زندگی برای همپوشانی در اخلاق فردی و اجتماعی مبتنی بر زمینه‌سازی ظهور؛
۵. تقویت و ترغیب نخبگان علمی و اخلاقی در حوزه و دانشگاه برای تکمیل فازهای اجرایی پیاده‌سازی اخلاق متعالیه در جهت زمینه‌سازی مناسب ظهور؛
۶. رضایت قلبی حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه از اندک تلاش علمی صورت گرفته برای معرفی و شناساندن زوایای اخلاق متعالیه متناسب و در شأن ظهور. و از آن جهت ضرورت دارد که:
 ۱. در صورت عدم شناساندن زوایای اخلاق متعالیه متناسب برای زمینه‌سازی ظهور، جامعه

- انسانی در ابهام اخلاق‌های متضاد، پرننگ و لعاب و منحرف، درمانده و دچار خسران گردد.
۲. شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاق متعالیه مبتنی بر مبانی دین مبین اسلام در هیئت پرزرق و برق اخلاق‌های نوظهور انحرافی به ورطه فراموشی سپرده شود.
۳. آگاهی بخشی به جامعه اسلامی در جهت اخلاق متعالیه متناسب با زمینه‌سازی ظهور ترسیم نخواهد شد.
۴. سازمان‌ها و ارگان‌های درگیر در زمینه‌سازی، پیاده‌سازی و راهوری اخلاق متعالیه، در پیچ و خم بی‌مسئولیتی و فراقکنی وظایف و نقش‌های محوله درگیر خواهند شد.

هدف، پرسش و فرضیه پژوهش

هدف از این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های اخلاق متعالیه در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام و پیاده‌سازی آن در جامعه است.

اما پرسش این نوشتار این است که مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های اخلاق متعالیه در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام چیست و راه‌های پیاده‌سازی آن کدام است؟

فرضیه پژوهش نیز این است که بازگشت به اصول و مبانی واقعی دین مبین اسلام محمدی (اخلاق متعالی)، الگوی سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت علیه السلام به شمار می‌آید.

مبانی نظری

با بررسی‌های انجام شده از سوی نگارنده، پژوهشی در وزن و موضوع مشابه نوشتار حاضر در جامعه علمی کشور یافت نشد، اما برخی رهیافت‌های علمی در حوزه‌های مشابه مثل امنیت، سیاست و حکمت به دست آمد. دکتر نجف لک‌زایی در مقاله «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه» ضمن بررسی بحث انسان‌شناسی صدر المتألهین، علامه طباطبایی، شهید مطهری و امام خمینی علیه السلام و تبیین نگاه هریک از اندیشمندان، مکاتب امنیتی را به سه بخش متعالیه، متعارف و متدانیه تقسیم‌بندی کرده است. وی همچنین در مقاله «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی» به وجود لایه‌های وجودی انسان و ابعاد امنیتی آن پرداخته و ضمن تقسیم‌بندی این لایه‌ها به چهار لایه الهی، عقلی، مثالی و مادی به وجوه متعالیه، متدانیه و متعارف می‌رسد (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۲۰-).

سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه نیز در همایشی که با همین عنوان در سال ۱۳۸۷

توسط پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی برگزار گردید، بررسی شد. در این همایش ابعاد مختلف سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه - که توسط ملاًصدر نظام و قوام یافته است - مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت (لک‌زایی، ۱۳۸۷: ۱۱ - ۱۸).

آیت‌الله جوادی آملی - مفسر بزرگ قرآن در قرن حاضر - معتقد است:

حکمت هم متعالیه است و هم متدانیه؛ هم می‌تواند متدانیه را با سفر من الخلق الی الحق متعالیه کند و هم می‌تواند متعالیه را با سفر من الحق الی الخلق متدانیه کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۶)

در تحلیل مکاتب اخلاقی موجود، عموماً مکاتب انسان‌محور که ریشه غربی دارند به‌ویژه لیبرالیسم، با محوریت سود و رفاه، غایت دنیا را نقطه تعالی خود دانسته و به غایت آخرت بی‌اعتنا هستند. مبانی اخلاق لیبرالیسم بر حفظ منافع مادی و رفاه مکتبی، و بر بنیاد اومانیزم استوار شده است و بر اساس این تفکر، خواسته‌های انسان در اولویت نخست قرار می‌گیرد. از سویی دیگر، فردگرایی^۱ یکی از معادل‌های لیبرالیسم است و البته نقطه ضعف آن نیز به شمار می‌آید. سود،^۲ واژه کلیدی شناخت لیبرالیسم است که به معرفت، اخلاق، اقتصاد، حقوق و فلسفه سیاسی غرب، جهت و هویت بخشیده است. ایدئولوژی لیبرالیسم برای دستیابی به اهداف و مطامع اقتصادی و سود خویش، با کنار زدن روح مذهبی، احکام دینی، اخلاق و مفاهیمی چون حق، ارزش، اصول و باید و نباید، انسان را یک حیوان اقتصادی صرف تعریف می‌کند. این نوع جهان‌بینی، از لحاظ دنیای پس از مرگ اعتقاد ندارد. از این رو افق دید و چشم‌انداز آن دنیوی است؛ در باب انسان‌شناسی، همه چیز را در سود و رفاه مادی برای انسان رقم می‌زند و هر آن‌چه سبب تضعیف یا حذف این حق گردد، محکوم است. نگاه مکتب اخلاقی لیبرالیسم به انسان، تک‌بعدی است و به نیازهای روحی و اخروی آن بی‌توجه است.

شاخص‌های اخلاق در مکتب لیبرالیسم

۱. سودمحوری، ۲. رفاه‌طلبی، ۳. نگاه کاملاً دنیوی، ۴. بی‌اعتنا به آخرت، ۵. انسان‌شارع اخلاق است، ۶. مبانی‌اش ساخته بشر است، ۷. نافی دین، ۸. تکیه بر فردگرایی. دیگر مکتب اخلاقی که در اندیشه‌های مارکس ریشه دارد، دارای بار ماتریالیستی محض

1. Individualism
2. Utility

است. ماتریالیسم دو قسم دارد: فلسفی و اخلاقی؛ در ماتریالیسم فلسفی، غیب و عالم معنا انکار می‌شود. اما در ماتریالیسم اخلاقی ضمن اعتراف به عوالم فرامادی به گونه‌ای عمل می‌شود که گویا جز زندگی مادی، حیات دیگری نیست. مکتب ماتریالیسم از جمله مکتب‌های مدعی پاسخ‌گویی در حوزه‌های چهارگانه معرفتی (معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی) بوده و چند دهه نیز با شعار انقلاب اقتصادی، عدالت اجتماعی جامعه بشری را تحت تأثیر قرار داده است. ماتریالیسم به معنای ماده‌گرایی بوده و مکتبی است که اصالت را با ماده می‌داند. اگر استبداد دینی حاکمان دستگاه مسیحیت و عملکرد منفی اربابان کلیسا در قرون وسطا و همچنین ارائه چهره ناقص و ناصحیح از دین را عامل پیدایش جریان افراطی ضد دینی و افسارگسیخته لیبرالیسم بر مبنای اومانیزم و تکیه بر اصالت انسان به جای خدا بدانیم، ماتریالیسم و مکتب ماده‌گرایی کمونیسم نیز حاصل آثار و پیامدهای مکتب لیبرالیسم است. کمون یا اشتراک اولیه، دوره برده‌داری، نظام فئودالی، نظام سرمایه‌داری، سوسیالیسم و نهایتاً کمونیسم یا اشتراک مطلق از سلسله مراتب این مکتب به شمار می‌آید (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۰: ۴۰-۵۰).

شاخص‌های اصلی ماتریالیسم

۱. انحصار منابع معرفت به تجربه، ۲. انکار متافیزیک و ماوراء الطبیعه، ۳. نگاه مادی به انسان، ۴. نگاه مادی به مدیریت، ۵. نفی مطلق مالکیت، ۶. بی‌اعتقادی به جهان آخرت، ۷. سودمحوری، ۸. انسان‌شارع اخلاق است، ۹. بر ماده‌گرایی تأکید می‌کند، ۱۰. نگاهی کاملاً دنیوی دارد. و اما مکتب اخلاقی اسلام با دو مکتب مدعی پیشین تفاوت ماهوی دارد. این نوشتار بر مبنای همین مکتب، ادعای شکوه اخلاق متعالیه برای زمینه‌سازی ظهور را دارد. نقد پیش رو، به مبانی این مکتب مجهز شده است.

اخلاق

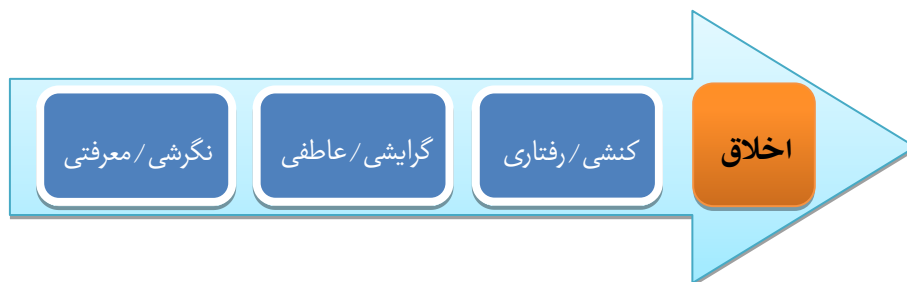
«اخلاق» جمع «خَلَق» یا «خُلِق» که در معنای «... عادت، رویه و سجیه» آورده شده (کلههر، ۱۳۸۳: ۵۰)، همانند دو واژه Moral و Ethics دو معنای «... رفتار عادت شده یا خوبی و بدی رفتار» کاربرد یافته است (قراملکی، ۱۳۸۳: ۹۶). از نظر ایشان در این تعریف میان ethics و morality تفاوت وجود دارد، به نحوی که اولی به معنای «اخلاق عملی» است که از آن به

«علم عمل به اخلاقیات و تهذیب نفس» تعبیر می‌شود و دومی به معنای «اخلاق نظری» است که به «علم تشخیص خوب و بد» مشهور است. اخلاق در اصطلاح علمای اخلاق عبارت از «ملکات نفسانی» است که این ملکات نفسانی یا از فضایل (مانند شجاعت، سخاوت، عفت، صداقت و امانت) یا از رذایل (مانند دروغ، ترس، بخل، کینه و حسد) است.

اخلاق در حقیقت ملکاتی^۱ است که در نفس انسان حاصل می‌شود و بر سلوک و رفتار او تأثیر می‌گذارد تا به اعمال انسان در زندگی جهت دهد (کلههر، ۱۳۸۳: ۵۰). در این معنا موضوع اخلاق، روح انسان است، به شکلی که زشتی و زیبایی خُلق، از ویژگی‌های «روح» است (واثقی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). بنابراین می‌توان گفت اخلاق، حالتی درونی است که آن را از رفتار و کردار فرد کشف می‌کنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶).

این واژه در لغت به معنای صفات انسانی پایدار است. صفات انسانی هنگامی پایدار تلقی می‌شود که انسان را به عمل بدون رویه و فکر دعوت می‌کند؛ مثلاً کسی که دارای خلق سخاوت است آن خلق او را به جود و انفاق وادار می‌کند، بدون آن که مقدماتی تشکیل دهد و مرجحاتی فکر کند، گویی یکی از افعال طبه اوست (خمینی، ۱۳۷۱: ۵۱۰)؛ یعنی ملک بدن و قوای ظاهریه ملکیه تابع و مقهور و مسخر ملکوت گردد، به نحوی که بی‌مشقت و تکلف هر کاری را بخواهد انجام دهد (همو: ۱۲۵).

روشن است آن چه در اخلاق به معنای واقعی به منصفه ظهور می‌رسد، فی‌البداهه و بی‌مقدمه نیست. بروز اخلاق آدمی برآمده از قالب فکر و اندیشه، فراگیری، تربیت، خصلت و خوی ریشه دوانیده در درون وی و متأثر از ذوق، شوق، گرایش‌های قلبی و فطری است. از این‌روی رفتار، خروجی سیستم انسانی است که در درونش غوغای تحول، حرکت و منفعت‌طلبی وجود دارد.



۱. قدرت و توانایی انجام کاری که در اثر تمرین و ممارست در طبیعت انسان متمکن و جایگزین می‌شود.

اخلاق متعالیه

بر اساس مبانی نظری بررسی شده در پیشینه تحقیق، تعریف اخلاق متعالیه در مبانی علمی موجود یافت نشده است؛ اما نویسندگان مقاله بر اساس شاخص‌های احصا شده - که در بخش تجزیه و تحلیل به آن پرداخته خواهد شد - این تعریف را مناسب می‌دانند: «نگرش، گرایش و کنش عقبی‌نگر، مبتنی بر مبانی دین مبین اسلام (قرآن و روایات) و متمسک پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام را اخلاق متعالیه می‌گویند.» در واقع اخلاق متعالیه، نقطه «مطلوب» اخلاق است.

اخلاق متدانیه

این اخلاق در برابر اخلاق متعالیه قرار می‌گیرد. شاخص‌های این اخلاق نیز به تفسیر در بخش مربوطه مورد اشاره قرار گرفته است. بر این اساس، هرگونه نگرش، گرایش و کنش دنیانگر، مبتنی بر مبانی بشری و متمسک به حکام و زورگویان ظالم را اخلاق متدانیه می‌گویند. از این حیث، اخلاق متدانیه، اخلاق «موجود» است که توسط بشر ترسیم شده است.

سبک زندگی

سبک زندگی،^۱ به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. این اصطلاح را نخستین بار آلفرد آدلر - روان‌شناس اتریشی - به کار برد.

یکی از عینی‌ترین شاخص‌هایی که در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان تفاوت‌های اجتماعی به کار برده می‌شود، مفهوم سبک زندگی است. سبک زندگی مواردی همچون طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتار هستند که به منظور برقراری تمایز بین افراد و سایرین به کار می‌آیند.

سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. به دیگر سخن، سبک‌های زندگی به عنوان رابط بین ویژگی‌های فردی اعم از ارزش‌ها، نگرش‌ها، منابع و سلیقه‌ها از یک طرف و الگوهای کنش از طرف دیگر درک می‌شوند (رضوی زاده، ۱۳۸۶).

1. Life Style

سبک زندگی، روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. سبک زندگی اساساً به معنای نمادین محصولات - یعنی آن‌چه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است - توجه دارد (فاضلی، ۱۳۸۲).

سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی شأن و منزلت، استفاده از محصولات تکنولوژیک، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶ - ۷۸). فهرست رفتارها، نوع چینش آن‌ها، نحوه تخصیص وقت، ضریب‌ها و تأکیدها از جمله متغیرهایی هستند که در شکل‌گیری سبک زندگی دخیل‌اند. مثلاً سبک زندگی ثروتمندان و اشراف، سبک زندگی نظامی‌ها و کشاورزها، سبک زندگی امریکایی، چینی، ایرانی، سبک زندگی دین‌داران یا حزب‌اللهی‌ها از لحاظ این متغیرها متفاوت است (بنت، ۱۳۸۶: ۹۷).

سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه است. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. بنابراین دین در گام نخست با ارائه جهان‌بینی و ایدئولوژی ویژه‌ای زیربنای شکل‌دهی به زیست دین‌دارانه را می‌سازد. در مرحله بعد، دین با ارائه آداب و دستورالعمل‌های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان در حقیقت به دنبال شکل‌دهی نوع خاصی از زیست انسانی است. دستورالعمل‌های اخلاقی و حقوقی و فقهی دین، در واقع به منظور ارائه الگویی از زیست دینی و خدایسنده است. دستورالعمل‌هایی که در حوزه پوشش، خوراک، آرایش، رفتار با خانواده، رفتار با همسایگان، رفتار با هم‌کیشان و غیرهم‌کیشان و تعاملات و ارتباطات بین‌الادیانی و بین‌المذهبی در دین مطرح شده است، همگی برای ساختن سبک زندگی دینی است.

به تعبیر دیگر، سبک زندگی هرکسی متأثر از اهداف یا هدف‌گایی اوست. هدف‌گایی و نهایی هرکسی به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر فرد الزام می‌کند و الزامات رفتاری و

انضباط خاصی را پدید می‌آورد.

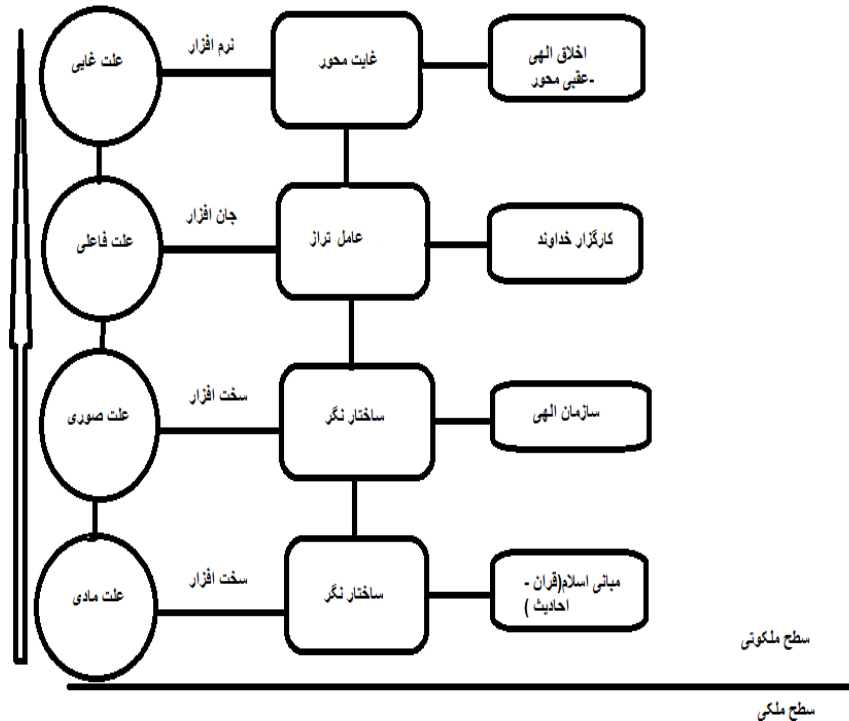
اسلامی بودن آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی بتواند بسترساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. به گفته علامه طباطبایی ادب الهی، انجام عمل بر هیئت توحید است. به این ترتیب، آداب اسلامی عمدتاً آداب بندگی است؛ یعنی جلوه‌های ظاهری عبودیت، و تصویر توحید در ظواهر انسان. از این روست که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست؛ بلکه یک روش زندگی برای انسان‌هاست: خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را کوتاه کردن. لا اله الا الله که پیام اصلی پیغمبر ما و همه پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و در انتخاب روش‌های زندگی، قدرت‌های طاغوتی و شیطان‌ها نباید دخالت کنند. اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند، دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان. (بیانات در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲)

ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله اساسی و مهمی است. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳)

چارچوب نظری به کاررفته در تحلیل و استنباط مکتب اخلاقی، چارچوب علل اربعه و برگرفته از فلسفه اسلامی است. به نظر فلاسفه، هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی (مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۲۰) به یک معنا وقتی از فلسفه پدیده‌ای که نبوده و به وجود آمده است می‌پرسیم، در واقع از این چهار علت سؤال کرده‌ایم. از این منظر، هرگاه از فلسفه اخلاق پرس و جومی کنیم، چهار پرسش زیر مد نظر است:

۱. علت مادی اخلاق (مبانی و منابع تولید اخلاق) چیست؟
 ۲. علت صوری اخلاق (انواع، سطوح و ابعاد اخلاق) چیست؟
 ۳. علت فاعلی اخلاق کدام است (افراد، کارگزاران، نهادها و سازمان‌هایی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از اخلاق به آن‌ها سپرده شود، چه شرایطی دارند)؟
 ۴. علت غایی اخلاق (هدف از تولید اخلاق) چیست؟
- بر اساس علل اربعه و سه رویکرد سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و جان‌افزاری، ارتباط معنادار زیر را به عنوان الگوی دستیابی به اخلاق متعالیه می‌توان ترسیم کرد:



چارچوب الگوی دستیابی به اخلاق متعالیه

نقد اخلاق متعالیه

تشخیص اخلاق به دو نوع خوب و بد بدون توجه به الزامات اربعه آن بی معناست. در شبکه هستی، خداوند تبارک و تعالی به عنوان خالق اخلاق خوب به مانند سایر نعمت‌های الهی خلق شده، الزاماتی را برای زمینی کردن آن و آسمانی کردن بشر نیز آفرید. از این حیث اخلاق در نوع خوب، خالق‌ی چون خداوند دارد که نهایت و غایت آن میل به بقای اخروی و جاودانگی است؛ منابع آن از سند چشم‌انداز دین مبین اسلام - یعنی قرآن - سرچشمه گرفته و عاملان و پیاده‌سازان آن بهترین بندگان خداوند - یعنی پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام - هستند:

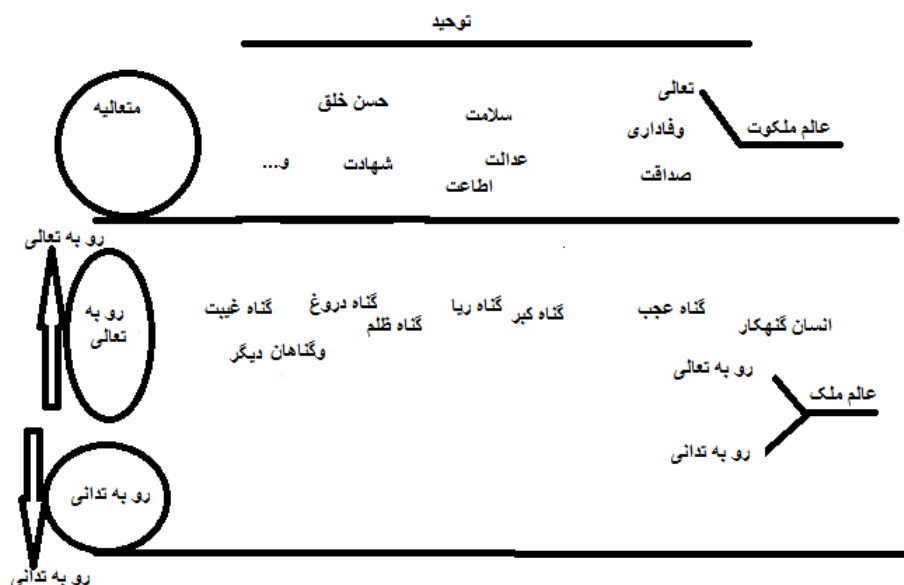
۹۱

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ (آل عمران: ۱۶۴)

به یقین خداوند بر مؤمنان مانت نهاد، آن‌گاه که در میان آن‌ها فرستاده‌ای از خودشان [نه از فرشته و نه از جن] برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها می‌خواند و پاکشان می‌گرداند و

کتاب [آسمانی] و احکام شریعت و معارف عقلی به آن‌ها می‌آموزد و حقیقت این است که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

سازه‌های پیاده‌سازی این اخلاق برای رسیدن به غایت مدنظر نظام اسلامی است. خداوند این بسترها را آماده کرده است، اما بشر به سبب یک خطای راهبردی (خوردن میوه ممنوعه) از آن فاصله گرفت و به اخلاق بد از نوع بشری مبتلا شد. فاصله گرفتن از نعمت اخلاق متعالی، بشر را در چنبره حاکمان زورگو و فرصت‌طلبان دینی که به بقای دنیوی و سود و لذت می‌اندیشند، قرار داد. منابع اخلاق نیز قوانین بشری و پیاده‌سازی آن از طریق سازه‌های خودساخته مبتنی بر لذت و سود یک عده خاص ترسیم گردید. از این‌رو اخلاق صفت متدانیه و رو به تدنی به خود گرفت.



الگوی شبکه هستی و اخلاق متعالیه و متدانیه

بشر امروز برای این که به آمال واقعی خود - یعنی برگشت به اخلاق متعالیه و بقای اخروی - برسد، چاره‌ای جز تمسک به بازگشت به اصول واقعی و تمسک به ولایت امام عصر علیه السلام ندارد. سبک زندگی زمینه‌ساز، تنها در پرتو بازگشت به اصول اولیه و الهی میسر است. در غیر این صورت بشر با قوانین خودساخته تنها از سرچشمه اصلی فاصله می‌گیرد. همان‌گونه که اخلاق به دونه‌های خوب و بد تقسیم می‌شود، الگوهای رفتاری نیز به دو قسم فضیلت و رذیلت

تقسیم‌بندی می‌شوند. این نوشتار معتقد است اخلاق متعالیه و متدانیه هر یک در سطحی از شبکه هستی تعریف می‌شوند.

با اصالت یافتن انسان، حق انسان موجب شکل‌گیری حدود و ثغور زندگی شده است و این حدود، سبک و استیل زندگی را شکل می‌دهند. حال اگر به جای این‌که سبک زندگی را منشأ دین بدانیم، دین را منشأ سبک زندگی بشناسیم، قاعده تغییر می‌کند و اصالت از آن خدا می‌شود نه بشر. در این صورت، به تعبیر غربی‌ها، سوپرپارادایم «تئوئیسم» رقم می‌خورد. وقتی اصالت خدا مطرح باشد، حق از آن خداست نه غیر خدا؛ یعنی غیر خدا حق ندارد حدود را تعیین کند.

سیر حرکت از اومانیسیم^۱ تا حقوق بشر،^۲ سپس سبک زندگی و در نهایت دین زمینی متکثر مبتنی بر آن سبک زندگی، در تعلق دینی به «حیات خبیثه» معروف است؛ چون در شرک و عدم توحید ریشه دارد و کسی مانند بشر با خدا شریک و حتی جایگزین شده است. بر این اساس، امنیت متعالیه، با ویژگی‌های بقای ابدی، پایداری و... ریشه‌ای الهی دارد و امنیت متدانیه ریشه‌ای غیرالهی و بقای دنیوی را در پی می‌آورد.

شاخص‌های اخلاق متعالیه

سخت‌افزاری (سازه‌نگر)

۱. سازه‌های آن (جامعه اسلامی، دولت اسلامی، نظام اسلامی، تمدن اسلامی، حکومت اسلامی) الهی است.
۲. اجزای سازه‌ها مبتنی بر اصول دین مبین اسلام است.
۳. بر فرایندهای سازه‌ها، اصول اسلام حاکم است.
۴. به معنای واقعی یک سیستم (با درون داد، پردازش، برون داد) اسلامی است.
۵. الگو و نمونه اخلاقی قابل معرفی به دنیاست.

نرم‌افزاری (غایت محور)

۱. عُقبانگر است.
۲. تعالی ساز است.

1. Humanism
2. Human Rights

۳. فردمحور جامعه نگر است.
۴. سعادت ساز است.
۵. پایدار و جاویدان است.
۶. روشن بخش و دلسوز است.
۷. قرآن محور است.
۸. روایت گو است.
۹. ولایت مدار است.

جان افزاری (عامل تراز)

۱. تکریم کننده فرد است.
۲. تکریم کننده جامعه است.
۳. دلسوز بشر است.
۴. هدایت گر است.
۵. معرف و مرسل الگوهاست.
۶. احسن الاخلاق است.

هر یک از شاخص‌های یادشده، اسباب برون داده‌های نگرشی، گرایشی و کنشی در جامعه می‌شوند. این نتایج، شاخص‌های اخلاق متعالیه را در سبک زندگی زمینه ساز رقم می‌زند و در صورت تحقق امر، جامعه منتظر واقعی شکل می‌گیرد. سنجه‌های مربوط به هر یک از حوزه‌ها را می‌توان به شرح زیر ترسیم کرد:

نگرشی

۱. معرفت به ولایت حضرت حجت علیه السلام در سطح فردی و اجتماعی؛
۲. شناسایی اهداف ظهور حضرت حجت علیه السلام؛
۳. رضا و سخط امام؛
۴. آرزوی آمدن حضرت حجت علیه السلام در اذهان و افکار فردی و اجتماعی؛
۵. زمینه سازی فکری و ذهنی برای آمدن حضرت حجت علیه السلام؛

گرایشی

۶. ابراز لطف و علاقه به حضرت حجت علیه السلام؛

۷. آمادگی و اظهار جان فشانی برای حضرت حجت علیه السلام بین فرد فرد جامعه؛
۸. ظهور جلوه‌های محبت به حضرت حجت علیه السلام؛
۹. افزایش میل و رغبت به شرکت در مراسم استغاثه و ندبه و...؛
۱۰. لحظه شماری باطنی و قلبی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام؛

کنشی

۱۱. رفع نیازهای دیگران؛
۱۲. پرهیزگاری؛
۱۳. حسن اخلاق؛
۱۴. تبعیت و تسلیم؛
۱۵. شجاعت؛
۱۶. تکافل؛
۱۷. اطاعت محض از حضرت حجت علیه السلام؛
۱۸. ظهور و بروز استغاثه به درگاه الهی برای آمدن حضرت حجت علیه السلام مانند برگزاری مراسم دعا و نیایش و...؛
۱۹. زمینه سازی عینی و عملی برای آمدن امام مهدی علیه السلام؛
۲۰. ایجاد سازه‌های مبلّغ، مروج و زمینه ساز ظهور امام عصر علیه السلام در سطح جامعه؛
۲۱. حذف سازه‌های معاند، شیطانی و تأخیر ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام در سطح جامعه.

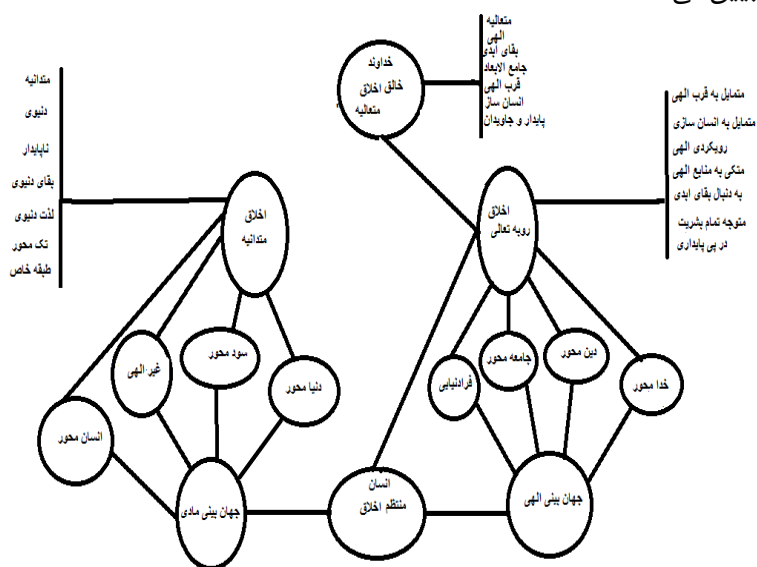
رابطه اخلاق متعالیه و سبک زندگی زمینه ساز ظهور

رهبر معظم انقلاب فرموده است:

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می شود یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لیبرالیسم باشد، می تواند کاپیتالیسم باشد، می تواند کمونیسم باشد، می تواند فاشیسم باشد، می تواند هم توحید ناب باشد؛ بالأخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک

چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. براساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳)

سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا، ضد معنویت و دشمن آن است. اخلاق در این سبک زندگی در هر سه حوزه نگرشی، گرایشی و کنشی غایتی غیرالهی دارد. ایدئولوژی حاکم بر آن کاملاً مادی، دنیانگرو لذت‌محور است. جهان‌بینی حاکم در این نگاه نیز کاملاً غیرالهی است؛ اما ظهور و بروز اخلاق متعالیه با ویژگی‌های مشخص شده، در سبک زندگی زمینه‌ساز سبب آمادگی و پویایی جامعه منتظر در رسیدن به معشوق خود می‌شود. اخلاق، یکی از حوزه‌های سبک زندگی و البته مهم‌ترین آن است. برای تغییر سبک زندگی باید سبک رفتاری تغییر یابد و برای تغییر سبک رفتاری باید جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها متحول شود. یا باید جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی داشت و منتهی به اخلاق متعالیه که خالق آن خداوند است متکی شد و تمسک جست و پذیرفت که انسان نیز به عنوان مخلوق خداوند، جایگاه خلق اخلاق ندارد و تنها می‌تواند اخلاق را انتظام بخشد یا انشا نماید؛ یا این که باید مسیر تقابل را برگزید - که همان جهان‌بینی و ایدئولوژی مادی و غیرالهی است - و انسان خود را خالق اخلاق بداند و این یعنی انحراف از مسیر تحقق اخلاق زمینه‌ساز ظهور که در این صورت سبک زندگی به عنوان نماد این طرز تفکر، در نقطه مقابل و مخالف حضرت حجت علیه السلام - که فرستاده و مجری پیاده‌سازی احکام تفکر توحیدی است - قرار می‌گیرد. الگوی مفهومی زیر این نقد را تبیین می‌کند:



الگوی مفهومی اخلاق متعالیه و متدانیه

پیاده‌سازی اخلاق متعالیه

نظر به شاخص‌های تعیین شده، در پیاده‌سازی اخلاق متعالیه برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام بنا به اهمیت و ضرورت و اثرگذاری ارگان‌های مؤثر، به تفکیک صرفاً نقش دولت، حوزه و دانشگاه به شرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

نقش دولت

- اختصاص ردیف بودجه مستقل به موضوع ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی به سازه‌های دولتی (وزارت ارشاد، صدا و سیما، سازمان تبلیغات و...) و غیردولتی (مؤسسات مذهبی - پژوهشی غیردولتی، مساجد و هیئت‌های مذهبی و...);
- زمینه‌سازی ظهور و بروز نمونه‌ها و الگوهای اخلاق متعالیه در جامعه و مراکز دولتی و غیردولتی؛
- کمک در راه اندازی مراکز علمی - پژوهشی مرتبط به ارتقای سطح اخلاق اجتماعی و فردی؛
- پیش‌بینی و درج متون اسلامی متناسب و مرتبط در دروس دانشگاه و مدارس و...؛
- به‌کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاقیات و قانون در سازمان‌ها؛
- تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها.

نقش حوزه و دانشگاه

- تولید، بازتولید، تعیین و معرفی منابع مرتبط به اخلاق متعالیه به جامعه؛
- تعیین و معرفی الگوهای تاریخی اخلاق متعالیه به جامعه؛
- تعیین شاخص‌های اخلاق متعالیه مبتنی بر منابع دین مبین اسلام و معرفی آن به جامعه؛
- تعامل دینامیک حوزه و دانشگاه در ترسیم نقشه راه مناسب برای تعاریف، الگوپردازی و پیاده‌سازی اخلاق متعالیه به‌ویژه در سطح جوانان و دانشجویان؛
- تقویت معیارهای ایدئولوژیکی در این جامعه از جمله ایمان، تقوا، حفظ کرامت و منزلت انسانی، اعتقاد به آخرت و روز حساب، یاد مرگ، یاد خدا و استعانت و بندگی او، عدل و انصاف، الفت و محبت، سعه صدر، صداقت و حسن خلق؛
- آموزش عملی اخلاق توسط افراد مقید و پای‌بند به رعایت اخلاقیات و قانون.

نتیجه

- بررسی‌های انجام شده در این نوشتار، نتایج زیر را در پی دارد:
۱. اخلاق متعالیه ریشه و هویتی الهی داشته و جامعه برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام باید سبک زندگی خود را بر آن مبنا قرار دهد.
 ۲. گناه و خطای راهبردی خوردن میوه ممنوعه سبب فاصله گرفتن از هویت الهی خلقت گردیده است؛ از این رو بشر به مبانی بشری و مترسک‌های دست زورمندان و حکمرانان دنیوی آلوده شده است و سبک زندگی بر این مبنا به شدت در برابر ظهور آن حضرت مقاومت می‌کند.
 ۳. سازه‌های رسمی و غیررسمی، در زمینه‌سازی اخلاق متعالیه در سبک زندگی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام نقشی عمده دارند.
 ۴. قرآن کریم - سند چشم‌انداز دین مبین اسلام - و فرستادگان الهی با سازه‌های نظام اسلامی و ولایت‌پذیری ائمه اطهار علیهم السلام راه‌های رسیدن به اخلاق متعالیه در سبک زندگی برای زمینه‌سازی ظهور هستند.
 ۵. تا زمانی که بشر از اخلاق متعالیه فاصله گیرد، اسیر نوع متدانیه آن بوده و نه تنها به دیدار با امام خود راغب نیست، بلکه در جبهه مخالف و معاند با آن حضرت قرار می‌گیرد.

منابع

- بنت، اندی، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۱ ش.
- _____، «نشست چالش‌های حکمت متعالیه در مسئله سیاست»، چکیده نشست‌ها و مقالات سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱ ش.
- رضوی زاده، نورالدین، بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- سعیدی شاهرودی، علی، بازشناسی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۰ ش.
- فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- قراملکی، احد فرامرز، کلیات و مفاهیم اخلاق حرفه‌ای، قم، انتشارات مجنون، ۱۳۸۳ ش.
- کلهر، منوچهر، مقدمات رفتار اداری، قزوین، انتشارات حدیث امروز، ۱۳۸۳ ش.
- لک‌زایی، شریف، «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه»، چکیده نشست‌ها و مقالات سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- لک‌زایی، نجف، «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جواد آملی»، فصل‌نامه اسراء، سال سوم، ش ۳، ۱۳۹۰ ش.
- _____، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۴، ۱۳۸۹ ش.
- مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
- واثقی، قاسم، مدیریت اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۴ ش.

